

درخواست اعلان

۱۳۶۹۲۲۲

خدا جون سلام به روی ماهت! ...



آرایه‌های ادبی (هفت‌خان ۶)

دکتر کوروش بقانی

محمد امیر سلیمانی

شاهین شیرزادی

حنیف افخمی

علیرضا جعفری



عنوان و نام پدیدآور: آرایه‌های ادبی (هفت‌خان ۶)

نام کتاب: آرایه‌های ادبی (هفت‌خان ۶)

دکتر کوروش بقائی - محمد امیرسلیمانی - شاهین شیرزادی -

ناشر: خیلی سبز

حنیف افخمی - علیرضا جعفری

مؤلفان: دکتر کوروش بقائی - محمد امیرسلیمانی -

مشخصات نشر: تهران: خیلی سبز، ۱۳۹۴

شاهین شیرزادی - حنیف افخمی - علیرضا جعفری

مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص، مصور: ۲۲ × ۱۴/۵ س م.

تصویرساز جلد: بزرگمهر حسین‌پور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۲-۰۷۴-۶

گرافیکست جلد: حسین پاشازاده

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

صفحه‌آرایی: اعظم مجیدی - الهه ابراهیمی

موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها

گرافیکست: بهاره امین‌ترابی - مونا جمال‌پور

موضوع: ادبیات فارسی -- راهنمای آموزشی (متوسطه)

لیتوگرافی و چاپخانه: واژه‌پرداز اندیشه

موضوع: ادبیات فارسی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (متوسطه)

نوبت چاپ: اول - ۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۶۱۷۳۱

تیراژ: ۸۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

قیمت این کتاب فقط در چاپ اول از ۱۷۵۰۰ تومان به ۱۲۰۰۰ تومان تغییر کرد.
با هدف رساندن یک کتاب خوب به دست آدم‌های خوب پیش‌تر.

تلفن مرکز پخش: ۶۳۵۶۳ (۰۲۱)

صندوق پستی: ۸۱۷۷ - ۱۴۱۵۵

Site: www.kheilisabz.com

SMS: ۰۰۰۰۶۳۵۶۳

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از اثر را به صورت چاپ، فتوکپی، جزوه و حتی دست‌نویس ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

راستی تا یادم نرفته

اگر در مورد این کتاب سؤال، پیشنهاد و یا انتقادی دارید خوشحال می‌شویم آن‌ها را به ما هم بگویید.



و یا از طریق سایت ما



یا از طریق



از طریق



یکی از حال‌های اساسی در خواندن شعرهای فارسی، قندی است که از پیداکردن آرایه‌های ادبی شعر در دل تان آب می‌شود. گوش کنید:

یارم به یک لا پیرهن،

خوابیده زیر نستر

ترسم که بوی نستر

مست است، هشیارش کند

ای آفتاب آهسته نه، پا در حریم یار من؛

ترسم صدای پای تو خواب است، بیدارش کند

(فانز دشتستانی)

من که یک جور می‌شدم وقتی برای بار صدم این شعر را خواندم؛ شما چی؟ ملاحظه و ظرافت شاعر در این کار بعضی وقت‌ها آن قدر زیاد است که آدم یک جور می‌شود: از تصور کردن تصویری که در شعر آمده، از ذهن شاعر که در کجاها بوده که این طوری فکر می‌کرده، اصلن چه جوری این چیزها به مغزش می‌زده است؟ از نو و بدیع بودن تصویرهایی که تا به حال در ذهن ما نبوده و تازه خلق شده؛ مثل بوی عطر جدیدی که تا حالا آن را نشنیده‌ای و یا شنیده‌ای و یکهو تکان می‌خوری و او تو را به ناکجا می‌برد. مثل خاطره‌های خوش ایام دور، مثل کودکی!

درس آرایه‌های ادبی کلن خیلی سخت است. منظوم در سطح کنکور نیست؛ در کل گفتم. آن قدر که تازه وقتی می‌فهمی خیلی بلدی، به این درجه نال می‌روی که بفهمی چه قدر هیچی بلد نیستی!

درک شیرینی و زیبایی اشعار یک چیز است و سواد تجزیه و تحلیل کردن آن‌ها یک چیز دیگر! اما هر چه بیشتر بدانید بیشتر حال می‌کنید با شعرهای خوب. به نظرم این کتاب ویژه‌ترین کتاب ادبیاتی است که تا به حال نوشته‌ایم. هیچ کس در این می‌بحث آن قدر شجاع نبوده که با در نظر گرفتن مرز کنکور و فراکنکور بتواند این موضوع خیلی حساس و عمیق و پراختلاف را طوری بنویسد که مولای دوش نرود البته به جز دکتر بقایی و یارانش!

دکتر بقایی که مدت‌های زیادی است از دوستی ما با ایشان می‌گذرد آدم مهربان و صبوری است که خیلی سبز دیرزمانی است به او تکیه کرده. او نه تنها دوست خیلی خوبی است، در کارش یک خبرگی خاصی دارد که هنوز به طور دقیق چند و چون نحوه‌ی انجام آن برای ما مکشوف نشده! فقط ما آخر کار به او یک «دمت گرم» می‌گوییم، و دکتر با کمال تواضع می‌رود سراغ فتح قله‌ی بعدی!

از همه‌ی دوستان عزیزم در این کار سپاسگزارم، شاهین شیرازی عزیز که خیلی زحمت برای این کار کشید و با قلم شیوا و دل‌انگیزش روح خیلی خوبی در کتاب دمید، آقای امیر سلیمانی با تست‌های خاص و نابش، آقای افخمی با ایده‌های خوب و درخورش، و آقای دکتر علیرضا جعفری، اهل شیراز با آن وضع بی‌مثالش که در سال ۱۳۷۲ و دانشجوی پزشکی و رتبه ۴۵ منطقه یک در کنکور ۹۰ و دارای نقره‌ی المپیاد زیست در سال ۸۹ هست، اما خیلی باسواد و ادبیاتی و باحال است!

دست احمد خداداد هم درد نکند که نقش به‌سزایی در بسته‌شدن کتاب داشت و خیلی از تیم تألیف حمایت کرد و کارها را به خوبی جلو برد!

روز به خیر!

تقدیم به:



عبدالرحیم جعفری

به جای مقدمه

یا لطیف

دلَم گرفته است؛ سراغ مونس همیشگی‌ام می‌روم. تنها کسی است که هیچ‌گاه تنهاییم نگذاشته است! تَفّالی می‌زنم:

دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم	نقشی به یاد خط تو بر آب می‌زدم
ابروی یار در نظر و خرقه سوخته	جامی به یاد گوشه‌ی محراب می‌زدم
روی نگار در نظرم جلوه می‌نمود	وز دور بوسه بر رخ مهتاب می‌زدم
چشمم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ	قالی به چشم و گوش درین باب می‌زدم
نقش خیال روی تو تا وقت صبحدم	بر کارگاه دیده‌ی بی‌خواب می‌زدم
هر مرغ فکر کز سر شاخ سخن بخت	بازش ز طره‌ی تو به مضرب می‌زدم
ساقی به صوت این غزلم کاسه می‌گرفت	می‌گفتم این سرود و می‌تاب می‌زدم

خوش بود حال حافظ و فال مراد و کام
بر نام عمر و دولت اجاب می‌زدم

«دیوان حافظ» - اتمام: جاگیر مونس، سرودران، چاپ تمل و ششم، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸

به فکر فرو می‌روم، برای درک عمق مقصود حافظ تقلاً می‌کنم؛ «که گر مراد نیابم به قدر وُسع بکوشم». این پیر باطن‌نگر چه دیده است که پس از گذر هفتصد سال، هنوز راه یافتن به مافی‌الضمیر او ممکن نیست. تصویر برآخته در بیت اول را تجسم می‌کنم.

دیشب اشک سیل آسای من، خواب را از چشمان من ربوده بود؛ تو را در یاد می‌آوردم؛ اما می‌دانستم که به تو دسترسی نخواهم یافت.

دوش دور از رویت ای جان، جانم از غم تاب داشت

«گنجیات سعدی» - کوشش: مفاهیر رضا، انتشارات روزگار، ۱۳۸۵، ص ۴۷۲

این معنی، خیلی ناامیدکننده است. حافظ را استاد ایهام دانسته‌اند. آیا می‌توانم با جادوی بیان حافظ، معنایی دیگر را بیافرینم تا تسلی‌بخش خاطر من باشد؟! «آب» همان اشک‌های جاری از دیدگان عاشق است؛ بر دانه‌ی اشکم - با یاد رنگ و بوی تو - نقش تو را تصویر می‌کنم تا به معاینه بیسمت به کمانم این معنی نهفته‌ی دوم، دل‌نشین‌تر و آرامش‌بخش‌تر از اولی است.

ستایش معشوق از مضامین رایج در ادب فارسی است. جامه‌ی زهد و پارسایی را آتش زده و به جای محراب، در ابروان محرابی شکل محبوب به ذکر دل مشغول می‌شوم.

بیرون آوردن خرقه و سوزاندن آن، آتشی سرخ‌رنگ را فرا می‌آورد. شب تا سحر، پلک‌هایم باز مانده است. آیا نمی‌توان میان چشمان خونین من، آتش شعله‌ور و سرخی شراب، تناسبی زیبا را تصور کرد؟

«بگفتا گر نیایی سوی او راه

«زبان و ادبیات فارسی در روی پیش‌داشجوی» - تألیف: محمدپارسا نسب و دیگران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های ادبی ایران، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۲۹

مضمون بیت اخیر از نظامی گنجهای در بیت سوم غزل دیده می‌شود: عاشق با خیالی از معشوق خوش است. در بیت چهارم، «چنگ» که هم‌چون خود شاعر، قامتی خمیده دارد به دل‌داری وی می‌پردازد و شاعر دردمند با نگرستن به چهره‌ی ساقی و گوش سپردن به قول چنگ، تَفّالی می‌زند تا ببیند که آیا شاهد مقصود را در آغوش خواهد گرفت یا نه.



و در ادامه، تو گویی چشم من که به انتظار قدوم معشوق، باز مانده‌است، قایم است که تصویر خیالی محبوب را در آن تصویر می‌کنم. اندیشه‌ی من در این شب بی‌پایان به‌سان پرنده‌ای از روی شاخه‌ی سخن به پرواز درمی‌آید؛ اما زلف تو، مرغ اندیشه‌ی مرا به دام می‌افکند، و برد پرواز خیال من به جایی دورتر از زلف معشوق راه ندارد.

گویا شب تار من هم این بار، سحری در پی دارد و ساقی مدام پیاله را پر می‌کند و من، غزل‌خوان شراب می‌نوشم. بیت پایانی، حاجت مرا برآورده می‌داند و نوید وصال را برابیم به ارمان می‌آورد. خوب؛ امیدوارم شما هم با فال من، حال کرده‌باشید! حواستان هست که تمام این مفاهیم زیبا با کمک تشبیه، استعاره، کنایه، ... و در یک کلام، «**صور خیال**» تعبیر و تفسیر شد؟! خوش‌حالم که هم قالم خوب از آب درآمد و از آن غم و اندوه، با پیام شادی‌آفرین حافظ عزیز رهاییم و هم شما را با خودم هم‌داستان ساختم که بدون درک صورت‌های خیالی شعر، نمی‌توان به برداشت قابل‌قبولی از آن دست پیدا کرد.^۱

شاد و سریلند باشید

۵ آذر ۱۳۹۴

کوروش بقائی راوری

ساختار کتاب و نحوه‌ی استفاده از آن

کتاب حاضر از دو بخش کلی «آموزش» و «آزمون» تشکیل شده‌است. در بخش آموزش، تمام آرایه‌های ادبی لازم آموزش داده شده‌است. نظر به اهمیت علم «بیان»، فصل اول را به آن اختصاص داده‌ایم. درس‌نامه‌ها ساده و کاملاً آموزشی نوشته شده‌اند. خوب خوب! آن‌ها را بخوانید.

در پایان هر درس‌نامه، پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به آن آرایه آمده‌است. در این بخش، تنها به فکر یادگیری باشید و برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها اصلاً زملی نگیرید.

در بخش آزمون، چهل آزمون ۱۵ سؤالی طراحی شده‌است. این آزمون‌ها رفته‌رفته سخت‌تر می‌شوند. پیشنهاد ما این است که برای پاسخ‌گویی به آزمون‌های اولیه، ۱۵ دقیقه وقت در نظر بگیرید، و کم‌کم که تجربتان بیشتر می‌شود، این زمان را کاهش دهید تا به ۱۵ دقیقه برسید. پاسخ‌های تشریحی هم که کلاً برای شما نوشته شده‌اند، از آن‌ها قفل نسازید!

باقی بقیای شما

سپاس از:

خانم‌ها منیره هاشمی، مینا سعیدی ملک، مریم صدر، ژاله بذرافشان، فاطمه نوری و زهرا طریعت و آقایان سهیل سمائی، مهندس محمدمهدی بقائی و بالاخره دکتر کمیل و دکتر ابوذر نصری عزیز که اگر این کتاب به سرانجام رسیده، بدون یاری و همراهی ایشان نبوده‌است. خداوند تمامی آن‌ها را پاداش خیر دهد ...

۱. تصور این که تنها سه سؤال از آرایه‌های ادبی در کنکور مطرح می‌شود، پنداری باطل است و تخیل شاعر چنان با مفاهیم موردنظر او در هم تنیده‌اند که جدا ساختن آن‌ها را از یکدیگر غیرممکن می‌سازد.

۲. در کنکور برای پاسخ‌گویی به هر سؤال ادبیات به طور میانگین، حدود ۴۳ ثانیه وقت دارید که با توجه به سطح دشواری سؤالات برای هر سؤال آرایه می‌توان ۱ دقیقه در نظر گرفت.

فهرست

۱۰۳	ایهام و تناسب	۷	فصل اول: بیان
۱۰۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۸	تشبیه
۱۱۲	لف و نشر	۱۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۱۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۵	استعاره و تشخیص
۱۱۵	اغراق	۳۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۱۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۴۱	مجاز
۱۱۹	حسن تعلیل	۴۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۲۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۴۹	کنایه
۱۲۴	اسلوب معادله	۵۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۲۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۵۶	فصل دوم: بدیع لفظی
۱۳۲	فصل چهارم: قالب‌های شعری	۵۷	واج‌آرایی
۱۴۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۵۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۴۲	آزمون‌های جامع	۶۰	سجع (به انضمام ترصیع و سمانه)
۲۳۵	پاسخ‌نامه‌ی تشریحی	۶۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۸۴	پاسخ‌نامه‌ی آزمون‌های جامع	۶۳	جناس و تکرار
۳۸۸	پاسخ‌نامه‌ی کلیدی	۶۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
		۷۱	فصل سوم: بدیع معنوی
		۷۲	تناسب
		۷۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
		۷۴	تلمیح
		۸۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
		۸۶	تضمین
		۸۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
		۸۸	تضاد (طباق)
		۸۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
		۹۱	تناقض (متناقض‌نما - بیان نفی - پارادوکس)
		۹۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
		۹۸	حسن آمیزی
		۱۰۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای